

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا  
مقاله پژوهشی، سال هفتم، شماره ۳۰، زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۸۷ تا ۹۹  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷

## حقوق موضوعه در خصوص جرم و مجازات و راهکارهای بهبود وفاق میان مجازات و جرم در حقوق ایران

| فهیمه سادات موسوی نژاد طرقله\* | کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه  
آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران.

### چکیده

از اصولی که در مبانی حقوق و موضوع مجازات‌ها مطرح است اصل تناسب جرم و مجازات می‌باشد. انسان‌ها پس از گذر از دوره‌های مختلف و تجربه مکاتب و دیدگاه‌ها گوناگون امروزه به این نتیجه رسیده‌اند که لازمه‌ی دوام زندگی اجتماعی وی، تحقق عدالت در کلیه امور و از جمله امور حقوقی و دستگاه قضا است و لازمه‌ی تحقق عدالت در این زمینه نیز پابندی به اصولی از جمله اصل تناسب جرم و مجازات می‌باشد. در حال حاضر این اصل از چنان اهمیتی برخوردار است که کیفیت و چگونگی رعایت آن در حقوق موضوعه یک کشور می‌تواند ملاک و معیاری برای سنجش کارآمدی، عدالت محوری و ترقی آن نظام حقوقی باشد. از اینرو در این تحقیق سعی بر آن شده است تا ضمن بررسی مفاهیم و قلمرو این موضوع به جایگاه اصل تناسب در میان مکاتب مختلف حقوقی پرداخته شود. ضرورت رعایت اصل تناسب جرم و مجازات و از سوی دیگر راهکارهای ایجاد این تناسب موضوع دیگری است که در این مقاله بررسی شده است. با توجه به اینکه در حقوق ایران مجازات‌ها و جرایم مستوجب آن در پنج دسته حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و بازدارنده طبقه‌بندی شده‌اند، بطور جداگانه، حقوق موضوعه‌ی ایران را در کیفیت رعایت این اصل مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: حقوق جزا، جرم، مجازات، قصاص، تعزیر.

## مقدمه

از دیرباز تاکنون دو مساله همیشه مورد توجه انسان‌ها بوده است. یکی آنکه فلسفه‌ی مجازات چیست و چرا باید مجازات کرد و دیگر آنکه در صورت ضرورت مجازات، چگونه و به چه مقدار باید مجازات نمود. در پاسخ به سوال دوم که همان موضوع توزیع مجازات می باشد، نظریات و آرای متعددی ارائه گردیده است و در این راستا مکاتب مختلف راهکارهای مختلفی ارائه نموده‌اند. یکی از این نظریات که گذر زمان و تضارب آراء، آن را به عنوان یک اصل و قاعده‌ی انکارناپذیر در آورده است، اصل تناسب جرم و مجازات می باشد که نتیجه روح عدالت طلبی بشر می‌باشد. به موجب این اصل میزان مجازات می بایست تابعی از میزان شدت جرم ارتكابی باشد. جرم شدید، مجازات شدید و جرم خفیف، مجازاتی خفیف می طلبد. این عادلانه نخواهد بود تا فردی که جرم او نتایج زیان آور فراوانی در نقض نظم اجتماعی و ارزشهای مورد قبول جامعه داشته است برابر یا کمتر از کسی مجازات شود که جرمش نتایج ضعیف تری داشته و از شدت کمتری برخوردار است. این بی عدالتی نمی‌تواند زمینه ساز نظامی عادلانه باشد. این اصل در ادیان مختلف آسمانی و به خصوص در دین مبین اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است. لذا نظام حقوقی ایران نیز که برگرفته از آموزه های اسلامی می باشد، به طور طبیعی خود را پایبند و ملزم به این موضوع می داند. از سوی دیگر ثابت بودن جرایم و مجازاتها در بخش زیادی از حقوق ایران وضعیت خاصی از این حیث به وجود آورده است که بررسی آن ما را در رفع نواقص احتمالی و دارا بودن نظامی عادلانه کمک می رساند. در نظام حقوقی ایران علیرغم اینکه از لحاظ مبنایی این اصل را پذیرفته است اما در عمل موارد بسیاری مشاهده می‌گردد که رویکرد مناسبی در رعایت آن اتخاذ نکرده است. این موضوع خصوصاً در مجازاتهای تعزیری و بازدارنده و جرایم مستوجب آن مشهود است. از سوی دیگر رعایت این اصل در سایر جرایم و مجازاتهای حقوق ایران از قبیل حدود، قصاص و دیات با توجه به ثابت بودن و تعبدی بودن جرایم و مجازاتها و مقررات مربوط به آن سوال برانگیز می باشد.

جعفر یزدیان در تحقیقی تحت عنوان بررسی مبانی و چگونگی تعیین مجازات متناسب در حقوق کیفری بیان می‌دارد: در باب حقوق کیفری ایران باید از دریچه حقوق اسلامی به مسأله مجازاتها نگریست. در مجازاتهای اسلامی این یک اصل است که مجازات باید متناسب با جرم باشد. بدان علت که در نظام حقوقی اسلام، عقوبت وسیله حاد تطهیر بوده و از رحمت الهی سرچشمه می‌گیرد پس باید موضوع تناسب در آن رعایت گردد.

در صفحه ۳۵۶ کتاب مطالعه تطبیقی حقوق جزای اسلام تألیف آقایان جلال الدین قیاسی حمید دهقان و قدرت اله خسروشاهی آمده است: قانون قصاص را به دو صورت میتوان تفسیر کرد: یکی تفسیر ادبی یعنی تساوی جرم و مجازات با توجه به ویژگیهای خاص آن دو. در این صورت مجازات در اغلب موارد غیر قابل اجرا خواهد شد. تفسیر دیگر این است که جرم و مجازات باید مساوی باشند در آنچه وجه مشترک آنهاست و آنچه آنها را قابل مقایسه می‌کند. زراعت در کتاب شرح

قانون مجازات اسلامی، بخش حدود در این زمینه می نویسد: "بسیاری از مسایل آن قابل توجیه عقلی نیست"<sup>۲</sup>.

تحقیق موجود بر اساس روش توصیفی- تحلیلی تألیف گردیده است بدین نحو که مطالب از منابع کتابخانه ای گردآوری شده و سپس به توصیف، تحلیل و نقد و بررسی مطالب پرداخته شده وسیع شده است تا با جمع بندی مطالب، اطلاعات کامل و جامعی را در زمینه ی موضوع مورد تحقیق ارائه دهد و در عین حال تلاش نگارنده بر آن بوده است تا با دیدی جامع موضوع را به طور منطقی و به دور از هرگونه افراط و تفریط تحلیل نماید که البته بدون شک و تردید در این راه از ایرادات، اشتباهات و نواقص مختلف و متعدد مصون نبوده است.

### تعریف تناسب جرایم و مجازاتها

با توجه به ارتباط معنایی تناسب و عدالت و معنایی از عدالت که توضیح آن گذشت، می توان گفت که منظور از تناسب جرم و مجازات رابطه ای است که میان جرم و مجازات برقرار می گردد و وجه ارتباط آن دو نیز مفهوم «استحقاق» و «شایستگی» می باشد. به عبارت دیگر زمانی عدالت و تناسب میان جرم و کیفر مراعات خواهد گردید که فرد مجرمی که مرتکب جرم شدیدی شده است به همان میزان استحقاقش از مجازات شدیدی بر خوردار گردد و همین طور به واسطه ارتکاب جرم کوچکی مجازاتی متنظر، متناسب و عادلانه داشته باشد و بیش تر یا کمتر از استحقاقش مورد مجازات قرار نگیرد. برخی همین مفهوم را در قالب تعریف عبارت عدالت کیفری بیان نموده اند و آنرا «مقایسه خسارت تحمیلی به جامعه با خطای اخلاقی مباشر و به دنبال آن تعیین میزان مجازات»<sup>۳</sup> تعریف کرده اند.

در یک تقسیم بندی می توان تناسب موضوع بحث را به تناسب تقنینی و قضایی تقسیم نمود. منظور از تناسب تقنینی، چگونگی تناسب در مقررات و مصوبات قانونگذار و ارتباطی است که بین جرائم و مجازات ها به وجود آورده است و منظور از تناسب قضایی نیز اختیاراتی است که از سوی قاضی اعمال می گردد تا تناسب میان جرم و کیفر در حد بالاتری اعمال شود. از آنجا که تناسب قضایی نیز در اصل ناشی از قانون و اراده قانونگذار می باشد و این قانون است که چنین اختیار و اجازه ای را به قاضی تفویض می کند در این رساله توجهی به این تقسیم بندی نگردیده است.

### قلمرو موضوع

نکته ای که در بحث از اصل تناسب جرایم و مجازاتها باید بدان توجه نمود، این است که این اصل مربوط به مبحث توزیع مجازات میباشد. به طور کلی دو مبحث کلی و اساسی در حقوق جزا وجود

<sup>۲</sup> قربان نیا، ناصر، عدالت حقوقی، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول، بهار ۱۳۸۱، صص ۲۰۹-

۲۰۸

<sup>۳</sup> بولک، برنار، کیفی شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چ اول، ۱۳۷۲، ص

داشته است که در طول سالیان دراز علمای حقوق و فلاسفه آنرا جولانگاه نظرات و آرای خود ساخته اند. یکی فلسفه و مبنای مجازات و به عبارت دیگر چرایی مجازات است و دیگری چگونگی مجازات و نحوه توزیع مجازات است. مسلماً بحث از توزیع و چگونگی مجازات بدون آگاهی از چرایی مجازات مقدور و ممکن نخواهد بود. به عبارت دیگر این مبنا و فلسفه مجازات است که نحوه توزیع مجازات را مشخص می کند. پس آگاهی از مبنای مجازات هر چند مختصر در بحث از چگونگی مجازات ضروری است. از سوی دیگر در تعیین مقدار مجازات مخصوصاً در اکثر نظام های حقوقی مکانیسم های مختلفی کاربرد دارد که تنها یکی از آنها اصل تناسب جرم و مجازات است که توجه به همه آنها در طراحی یک نظام حقوقی عادلانه و کارآمد ضروری است. به عنوان مثال در کنار اصل تناسب جرایم و مجازات ها می توان به اصل تناسب مجرم و مجازات توجه کرد که اکثراً به اشتباه بین آنها تفاوتی قائل نمی شوند و یا با استعمال یکی از این دو اصل، دیگری را نیز اراده می کنند. حال آنکه این دو مبحث از لحاظ هندسه موضوع با هم متفاوت اند. در مثلث بزهکاری که از سه ضلع مجازات، جرم و مجرم تشکیل می شود، اصل تناسب جرم و مجازات به بحث از رابطه ای می پردازد که در این شکل هندسی بین مجازات و جرم وجود دارد و مقدار و میزان مجازات را تابعی از شدت و حدت جرم ارتکاب یافته می داند و رابطه مستقیمی بین آنها برقرار می کند. هر چه ارزش سنگین تر و مهمتری از طریق جرم نقض شود، مجازات به عنوان واکنش اجتماع در برابر جرم، شدیدتر و سنگین تر خواهد بود و هر چه آن ارزش کم اهمیت تر باشد مجازات نیز سبک تر و خفیف تر خواهد بود. حال آنکه در مبحث تناسب مجازات و مجرم که از آن بیشتر تحت عنوان اصل فردی کردن مجازات نام برده می شود سخن از ارتباط بین مقدار مجازات و خصوصیات مجرم شامل سن، جنس، شخصیت و وضعیت اجتماعی وی به میان می آید و در جهت اصلاح وی میزان و چگونگی مجازات با خصوصیات مجرم سنجیده می شود. ارتباط این دو اصل و تاثیر و تاثر آنها بر یکدیگر را نمی توان انکار کرد.

### جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در مکاتب مختلف حقوقی

مباحث مختلفی از دیرباز تا کنون پیرامون موضوع فلسفه مجازات یا اهداف یا مبنای آن از دیدگاه های مختلفی چون روان شناسی، جامعه شناسی، کیفر شناسی و... مطرح گردیده است. اما رویکرد فلسفی به مجازات در پی پاسخگویی به مسائل فلسفی و مبنایی مجازات است. همانطور که در تعریف مجازات گذشت مفاهیمی چون رنج، آسیب و آزار از موارد ماهوی مجازات می باشند که بدون وجود آنها این واژه معنا نمی یابد. تحمیل رنج و آسیب و آزار به دیگران اصولاً و ابتدای به ساکن امری پسندیده و قابل قبول نمی باشد مگر آنکه توجیهی قانع کننده برای آن وجود داشته باشد. به عنوان مثال هدفی غیرقابل انکار که رسیدن به آن ضروری باشد. از گذشته تا کنون توجیهات زیادی بیان گردیده است که البته کمتر توجیهی را می توان یافت که عاری از انتقادات و اشکالات متعدد باشد.

به طور کلی در این زمینه سه مکتب و دیدگاه کلی وجود دارد: دیدگاه سزادهی، دیدگاه سودانگاری یا فایده گرایی، دیدگاه ترکیبی یا مختلط با حاکمیت هر یک از دو رویکرد اول در مقطعی از تاریخ و عدم توفیق و کامیابی آنها و هویدا شدن ایرادات و انتقادات فراوان در مرحله اجرا، از ترکیب و آمیزش این دو مکتب، نظرات مختلفی در جهت حذف نقاط ضعف و انتقاد هر یک و تقویت نقاط مثبت آنها، متولد گردید که می توان این نظرات را تحت عنوان «دیدگاههای ترکیبی» و یا «دیدگاههای مختلط» بررسی نمود.

در برابر انتقادات دیگر نیز بر عینی بودن و تجربی بودن نظریه فایده گرایی تأکید شده و در مورد نامحدود بودن نتایج اعمال و غیرقابل اندازه گیری همه آنها نیز گفته شده است که «درستی یا نادرستی یک عمل را می توان با در نظر گرفتن درجه قوت و ضعف احتمال چگونگی نتایج آن تعیین کرد.»<sup>۴</sup>

همانطور که در بالا گفته شد بر این دیدگاه نیز انتقادات زیادی وارد شده است که شکست عملی این دیدگاه در کنترل جرم نیز مزید بر علت می شود که به این نتیجه برسیم که این دیدگاه نیز به تنهایی نیاز بشر در حوزه قضایی را برطرف نمی نماید. به عبارت دیگر دیدگاه فایده گرایی و سزادهی دو روی یک سکه هستند که هر دو در اوج افراط و تفریط قلم خورده اند. یکی عدالت را محور قرار داده و به نتایج اعمال خود بی اعتنا بوده و دیگری صرفاً نتیجه گرا بوده و به عدالت بی توجه. بنابراین واضح است که دیدگاه فایده گرایی نیز اگر چه به جنبه هایی از مجازات به درستی توجه کرده است و یکی از راهبردهای تعیین مقدار مجازات، یعنی تناسب بین مجرم و مجازات و توجه به اصلاح و درمان مجرم را مورد نظر قرار داده است اما نتوانسته است که نظری جامع در این مورد داشته باشد. این موضوع سبب گردیده است تا از ترکیب دیدگاه سزادهی و فایده گرایی، دیدگاههای مختلط ایجاد شوند که در ادامه به شرح آن می پردازیم.

### دیدگاههای ترکیبی

در دو مبحث قبلی به تبیین دیدگاههای سزادهی و فایده گرایی پرداخته شد و در مورد تحلیل آنها از مجازات و چگونگی توزیع آن و رابطه آن با اصل تناسب جرم و مجازات توضیحاتی داده شد. همانطور که مشاهده گردید هر یک از این دو دیدگاه دارای نواقص و ایراداتی هستند که در آنها افراط و تفریط هایی ایجاد نموده و از این رو این دو دیدگاه به تنهایی نمی توانند تحلیل و توجیه کارآمد مؤثری از توزیع مجازات و نحوه تحقق مناسب و کارآمد اصل تناسب جرم و مجازات ارائه دهند. بنابراین اکثر متفکران و دانشمندان و به تبع ایشان نظام های حقوقی در پی دیدگاههایی بوده اند تا از افراط و تفریط این دو دیدگاه حالت تعادل و میانه ای ایجاد نمایند تا از نقاط قوت آنها استفاده کرده و از ایرادات وارده بر هر یک دوری گزینند. از اینرو در پی ترکیب این دو دیدگاه، دیدگاههای ترکیبی ایجاد شده است. به عنوان مثال در اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی

<sup>۴</sup> الیوت، کاترین و کوئین، فرانسیس، حقوق جزا، ترجمه امیر سماواتی پیروز، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۵

جمهوری اسلامی ایران در بیان شرح وظایف قوه قضائیه علاوه بر «تحقق بخشیدن به عدالت» و «گسترش عدل» به «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» نیز اشاره شده است.

لذا با توجه به اینکه نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و مسلماً نظام حقوقی اسلام دارای نوعی دیدگاه ترکیبی نسبت به اهداف مجازات می باشد و در «نتیجه اصل تناسب جرم و مجازات» که موضوع تحقیق می باشد در آن دیدگاه ترکیبی دارای وضعیت و موقعیتی خاص می باشد، بنابراین بررسی این دیدگاه‌ها ضروری می‌نماید. در ذیل به برخی از این دیدگاه‌های ترکیبی اشاره می‌شود.

### انتخاب بالاترین مجازات یا ضمانت اجرا

بر اساس این نظر هر یک از دیدگاه‌های سزادهی و فایده‌گرایی که در مورد جرمی، مجازات بالاتر و بیشتری پیشنهاد می‌کند، بر دیگری مقدم خواهد بود زیرا با اعمال بیشترین مجازات هدف دیگر نیز که مستلزم مجازات کمتری بوده است، تحقق یافته و به دست آمده است. بنابراین ابتدا طبق نظر هر دیدگاه مجازات تعیین شده و سپس از هرکدام که مجازات بیشتری ارائه دهد پیروی خواهد گردید.

«ایراد وارد بر این ملاک آن است که به اشتباه تصور می‌کند با تعیین مجازات بیشتر یا مسئولیت وسیع‌تر سایر اهداف نیز تأمین می‌شوند، در حالی که تأمین سایر اهداف، بعضاً محتاج محدود کردن مجازات یا دامنه مسئولیت است.»<sup>۵</sup>

به عنوان مثال چنانچه برای جرمی، فایده‌گرایی ۵ سال حبس و سزادهی ۳ سال حبس را پیشنهاد کند، اعمال ۵ سال حبس نه تنها متضمن تحقق سزادهی نخواهد بود و اهداف آنرا برآورده نخواهد کرد بلکه تحمیل ۲ سال حبس بیشتر از استحقاق فرد، بر خلاف عقاید این دیدگاه خواهد بود و در نتیجه اصل تناسب جرم و مجازات مورد نظر این دیدگاه نیز نقض خواهد گردید. ایراد دیگر آن است که ممکن است دیدگاه‌های مختلف مجازات‌هایی با ماهیت مختلف پیشنهاد کنند که سنجش و ارزیابی درجه شدت آنها به راحتی ممکن نباشد و یا نسبت به افراد مختلف هر یک شدیدتر محسوب گردد.

### تمایز جنبه منطقی و جنبه اخلاقی مجازات

بر اساس این نظریه بین رویکرد سزادهی و فایده‌گرایی در مورد امکان مجازات نوعی رابطه عموم و خصوص من وجه وجود دارد. این نظریه از سوی آقای کوئینتن مطرح گردیده است. «وی معتقد است باید بین فلسفه مجازات به لحاظ منطقی و به لحاظ اخلاقی تمایز قایل شویم. تمایز قایل شدن بین این دو جنبه ما را قادر می‌کند که ماهیت واقعی هر تئوری را درست بفهمیم و بتوانیم بین آن دو پل ارتباط ایجاد کنیم. این دو تئوری هر کدام به سؤال متفاوتی پاسخ می‌دهند.

<sup>۵</sup> یزدیان، جعفر، زدیا، جعفر، بررسی مبانی و چگونگی تعیین مجازات متناسب در حقوق کیفری، رساله دکترا، دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۸۴، صص ۱۳۳

دیدگاه سزادهی به این سؤال که ما به لحاظ منطقی چه موقع می توانیم کسی را مجازات کنیم و دیدگاه اصالت فایده به این سؤال که از نظر اخلاقی چه زمانی باید کسی را مجازات کنیم. تئوری سزادهی تنها بر این امر تأکید دارد که تا وقتی کسی مرتکب جرم نشده است نباید مجازات شود و این تنها ارتکاب جرم است که مجوز اعمال مجازات است. اما تئوری اصالت فایده می گوید چه موقع باید از این مجوز استفاده کرد. طبعاً هنگامی که اعمال مجازات دارای نتایج مفید می باشد.<sup>۶</sup> پس تئوری سزادهی مجوز مجازات را صادر می کند و بر اساس تئوری سودانگاری وقتی می توانیم از این مجوز استفاده کنیم که امید به کسب سود منفعت اجتماعی داشته باشیم. لذا در برخی مواقع مجوز مجازات وجود خواهد داشت (هنگامی که فرد مرتکب جرم شده است) ولی به علت عدم وجود نفع اجتماعی مجازات اعمال نخواهد شد و در برخی مواقع نیز سود و منفعتی در مجازات فرد وجود خواهد داشت ولی به علت عدم وجود مجوز (ارتکاب جرم از سوی فرد) مجازات اعمال نخواهد شد.»

این تئوری از آن جهت که با اصول هر یک از دو دیدگاه در تعارض است قابل انتقاد می باشد زیرا به عنوان مثال یک قاعده اصلی در سزادهی است که فرد با ارتکاب جرم مستحق مجازات است و تماماً باید مجازات شود و بنابراین توفیقی در حل تعارض نیافته است.

### ایجاد تمایز بین مقدار مجازات و نحوه اجرا

از این منظر دیدگاه سزادهی مقدار مجازات را مشخص می کند و اصل استحقاق را رعایت می نماید ولی در اجرای مجازات بنابر اصل فایده گرایی عمل می شود و برای مقدار مجازات تعیین شده طبق اصول سودانگاری معادل سازی صورت می گیرد. بنابراین چنانچه سزادهی مجازات ۵ ماه حبس را برای یک جرم خاص پیشنهاد دهد و در معادل سازی آن یک سال زندانهای نیمه باز و یا چند سال کار عام المنفعه معادل ۵ ماه حبس تشخیص داده شود، اعمال آنها با توجه به خصوصیات هر مجرم و اهداف سودانگاران به اشکال خواهد بود. چون به هر حال با وجود تناسب بین معادل ها با اصل مجازاتها، هدف سزادهی تامین گردیده است.

مسلماً تعیین معادل های انواع مجازاتها کار سختی است که سیاهه بزرگی از مجازاتها رابه وجود می آورد و از سوی دیگر در برخی موارد ممکن است در شکل خاص اجرا نیز خصوصیتی باشد که از نظر سزادهی دارای اهمیت باشد و در بحثی که از نوع خاصی از اجرا تحمیل می گردد دارای موضوعیت باشد که با اعمال معادل های آن مجازات، نقض غرض می گردد.

### تغییر دیدگاه با لحاظ نوع و ماهیت جرایم

در این نظریه پیشنهاد می شود که با توجه به نوع و ماهیت هر جرم، مجازات متناظر آن هدفی خاص را دنبال نماید. به عنوان مثال جرایم طبیعی مشمول مجازات های سزادهنده و جرایم مصنوعی یا قراردادی مشمول مجازات های سودانگاران قرار بگیرند و یا این که هر جرم با توجه به

<sup>۶</sup> قیاسی، جلال الدین و ..... همان صص ۳۶۳ و ۳۶۴

ضرر وارده و شخص و زیان دیده در اهداف متغیر باشد. این دیدگاه در اصل مجازات ها را بین دو دیدگاه متعارضی تقسیم کرده است و لازمه آن این است که در برخی جرایم و مجازات ها به علت پیروی از سودانگاری اصل تناسب جرم و مجازات اهمیتی نداشته باشد.

### تمایز بین مقام قانونگذاری و مقام قضاوت و اجرا

برخی معتقدند باید میان مقام قانونگذاری و مقام قضاوت تمایز قائل گردد و بدین ترتیب در هر یک از این دو حالت، تقدم با هدف خاصی باشد. به عبارت دیگر قانونگذار باید از دیدگاه سودانگاری پیروی کرده و در تعیین جرایم و مجازاتها براساس سود و منفعت حاصل از آنها و بر مبنای اهدافی چون ارباب و اصلاح مجرم تصمیم گیری کند اما در مرحله قضاوت و اجرا، قاضی باید مقدار مجازات قابل اعمال برای یک فرد را مبتنی بر دیدگاه سزادهی و استحقاق وی مشخص نماید. به عبارت بهتر «باید فلسفه مجازات را در دو سطح متفاوت، یعنی در سطح قواعدی که نهاد مجازات را به وجود می آورند و در سطح اعمال یک مجازات خاص، بررسی کنیم.»<sup>۷</sup> بدین ترتیب از ایراد وارده بر سودانگاری که مستلزم مجازات افراد بی گناه نیز است نیز اجتناب می شود و از سوی دیگر هیچ گاه مجازات فرد مجرم بی فایده و بیهوده نخواهد بود.

این دیدگاه نیز برخی اصول اساسی هر دیدگاه را نادیده گرفته است و مسلماً بین تئوریمجازات (سود انگاری) و عمل به آن (سزادهی) تعارضاتی پیش می آید که شکل تعارض دو دیدگاه همچنان باقی خواهد ماند. به عنوان مثال نمی توان به فایده گرایی اعتقاد داشت و آنرا به عنوان قاعده پذیرفت اما از مجازات مجرم به اندازه لازم جهت کسب سود و فایده مورد نظر، چشم پوشی کرد و فقط به مجازات به اندازه استحقاق فرد اکتفا نمود.

از سوی دیگر برخی ضمن اعتقاد به تمایز میان مقام قانونگذاری و قضا، نظریه ای عکس نظریه فوق ارائه کرده اند. بدین ترتیب که قانونگذار در مرحله تعیین باید از سزادهی پیروی کند و در مرحله قضاوت و اجرای مجازات باید سودانگاری را مدنظر قرار داد. به عقیده نئوکلاسیک ها، در عین دفاع از جنبه های اربابی و سزادهی مجازات، نباید جنبه اصلاحی آن را کاملاً نادیده گرفت. «لیکن جنبه اخیر تنها به هنگام نوع ضمانت اجرا و اعمال آن متجلی می شود. خلاصه اینکه، اگر مسئولیت اخلاقی ناظر بر تقصیر است، در عوض این شخصیت بزهکار است که چگونگی و محتوای حکم را مشخص می کند. مجازات فقط رنجی نیست که مباشر یک عمل نامشروع باید متحمل شود، زیرا این نوع باید در بهبود مجرم نیز کارگر افتد همانطور که «سالی «به شیوه ای روشن و پیشگویانه نوشته است باید به مسئولیت اعتقاد داشت تا تدبیری که علیه بزهکار اتخاذ می شود یک مجازات باشد و وی آنرا چنین تلقی کند، اما اعمال مجازات دیگر ربطی به مسئولیت ندارد، بلکه در چارچوب اصل فردی کردن قرار می گیرد. این جرم است که مجازات می شود، لیکن ملاحظه فرد، تدبیری را که برای او مناسب است، مشخص می کند. مسئولیت اساس مجازات و

<sup>۷</sup> همان، ص ۳۶۵



فردی کردن معیار اعمال آن است.<sup>۸</sup> بنابراین قاضی باید در هنگام تعیین مجازات پرونده شخصیت مجرم را در اختیار داشته باشد و با مطالعه آن به تعیین مجازات متناسب با مجرم بپردازد و نه مجازات متناسب با جرم. پس در این دیدگاه اصل تناسب جرم و مجازات چندان اهمیتی ندارد. تنها مشروعیت مجازات در این رویکرد، از دیدگاه سزادهی اخذ می شود ولی در اجرای مجازات، اصل تناسب جرم و مجازات مجالی برای تحقق نمی یابد و در اصل این اصل، قربانی اصل تناسب مجازات و مجرم یا همان اصل تفرید مجازاتها می شود.

همانگونه که مشاهده گردید، هر یک از دیدگاه های سودانگاری و سزادهی به جنبه هایی از مجازات توجه کرده و از جنبه هایی از آن غافل مانده اند که دیدگاه های ترکیبی و مختلط در صدد رفع این عدم جامعیت برآمده و سعی در جمع هر دو دیدگاه نموده اند. بسیاری از علمای حقوقی معتقدند نظام کیفری اسلام به عنوان یک سیستم کیفری جامع به نوعی یک دیدگاه و رویکرد مختلط محسوب می گردد.

#### ضرورت اصل تناسب از منظر جامعه شناسی

اگر چه این قانونگذار است که قانون را تصویب می کند که البته خود معمولاً نماینده جامعه محسوب می شود اما مردم و جامعه از دو حیث در تصویب و اجرای قوانین نقش پررنگ تری ایفا می کنند. اول آنکه قانون در درجه اول ناشی از ارزش گذاری جامعه است و قانونگذار با توجه به این ارزش گذاری اقدام به وضع قوانین می کند و در نتیجه باید قوانینی تصویب کند که هم جامعه آن را به علت حمایت از ارزشها و مجازات اقدامات ضدارزشی و هم به خاطر میزان درجه مجازات مرتکبین مورد تأیید قرار دهد.

باید نتیجه گرفت که جرم و مجازات موضوعاتی انتزاعی و فارغ از درک و فهم و برداشت مردم و جامعه نیستند و مردم از مجازات کسی که به نظر آنها فعل قابل سرزنشی انجام نداده، یا مجازات وی کمتر یا حتی بیشتر از حد استحقاق وی می باشد، راضی و خشنود نخواهند بود. عدالت و مبارزه با بی عدالتی در سرشت و طبیعت انسانها ریشه دارد و از سوی دیگر عدم تناسب و توازن میان جرائم و مجازاتها اعم از این که مجازات بیش از اندازه جرم و استحقاق مجرم باشد و چه کمتر از استحقاق وی و کمتر از شدت جرم باشد، از مصادیق بارز بی عدالتی می باشد و همانطور که تاریخ نشان داده است این موضوع قابل تحمل نخواهد بود. به گواه تاریخ «شکنجه های مختلف وحشتناکی که صورت می گرفت باعث شد که قیام های بسیاری علیه آنها انجام شود از هر طرف شدیداً مورد حمله و اعتراض قرار گیرد.»<sup>۹</sup> پس «قاعده ای را که مردم با عدالت و انصاف منطبق ندانند، به میل و رغبت اجرا نمی کنند و برای فرار از آن، به انواع وسیله ها و حيله ها دست می

<sup>۸</sup> پرادل، ژان، همان، صص ۱۲۱ و ۱۲۲

<sup>۹</sup> مظلومان، رضا، جامعه، بزه، کیفر، هدف نوع و خصایص کیفرها، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره چهاردهم تابستان ۱۳۵۲، ص ۳۵

زند، از اینرو دولت برای حفظ نظم عمومی و ایجاد آرامش اجتماعی، ناگزیر است تا حد امکان حقوق را با عدالتی که نزد مردم محترم است، سازگار سازد.<sup>۱۰</sup>

فیلانژی‌ری در مورد اثری که عدم تناسب جرم و مجازات در جرم ایجاد می کند مع تقد است «روا داشتن اعدام برای خدمتکاری که مرتکب دزدی از اموال خانه ارباب خود شده است غیرمنطقی است. زیرا بدین ترتیب این بزه بیشتر می شود، چرا که صاحبخانه با اطلاع از نادرستی خدمتکار خود برای اجتناب از مشاهده چوبه دار در مقابل خانه‌اش از افساء سرقت ارتكابی او خودداری خواهد کرد.»<sup>۱۱</sup> عدم تمایل مردم و جامعه به اجرای قانون و بی توجهی آنها به آن موجب متروک شدن قانون و پس از مدتی نهادینه شدن این بی توجهی به کلیه قوانین خواهد گردید. و یا احتمالاً «در صورتی که مردم داوری مثبتی نسبت به حقوق و قانون موجود نداشته باشند، طبعاً حقوق دیگری را قبول خواهند داشت، در این صورت میان حقوق سازمان یافته یا قانون در حال اجرا، با حقوق اشراقی و خودجوش، یا حقوقی که مردم عموماً آنرا قبول دارند شکاف ایجاد خواهد شد و حقوق اخیر در موقع انقلابها عمیقاً عمل می کند و حقوق سازمان یافته را واپس می زند.»<sup>۱۲</sup>

از دیگر نتایجی که از اصل تناسب جرم و مجازات در جامعه محقق می گردد جلوگیری از ارتکاب جرایم بیشتر است (که البته یک نوعی دید سودگرایانه به این اصل است) اگر از این اصل رعایت نگردد و فرد مجرم مجازاتی سبک تر از استحقاقش دریافت کند، مسلماً انگیزه ارتکاب آن جرم در جامعه بالا خواهد رفت و قانون کارکرد ایجاد ارعاب و باز دارندگی خود را از دست خواهد داد و از سوی دیگر اگر مجازات فرد بیشتر از حالت تعادل و تناسب باشد نیز ممکن است باعث ازدیاد ارتکاب جرایم گردد. بکاریا اگر چه خود یک فایده گرا بود اما معتقد بود که اگر دو جرم را که زیان آن به جامعه یکسان نیست، به یک اندازه کیفر دهند، مردم مانعی قوی تر بر سر راه خود نمی یابند تا آنان را از ارتکاب جرم بزرگتری که فایده بیشتری نصیبشان می کند باز دارد.<sup>۱۳</sup> به عنوان مثال اگر مجازات سرقت و قتل یکسان باشد یا تفاوت چندانی نداشته باشد هیچ مانعی برای سارق وجود نخواهد داشت تا با قتل مسروق عنه از افشای سرقت خود جلوگیری نکند.

### جمع بندی و نتیجه گیری

اصل تناسب جرایم و مجازاتها یکی از اصولی است که امروزه ضرورت رعایت آن را در هیچ نظام حقوقی نمی توان منکر گردید. در واقع میزان رعایت این اصل در حقوق موضوعه یک کشور می تواند یکی از معیارهای سنجش تحقق عدالت در حقوق آن کشور باشد. این اصل به طور کلی بدین مفهوم می باشد که در حقوق کیفری یک کشور جرایم و مجازاتها با توجه به شدت و ضعف خود می بایست با یکدیگر مرتبط گردند و شدید تر ین جرم دارای شدید تر ین مجازات و خفیف

<sup>۱۰</sup> قربان نیا، ناصر، همان، ص ۵۴

<sup>۱۱</sup> پردل، ژان، همان، ص ۵۷

<sup>۱۲</sup> گورویچ، ژرژ، مبانی جامعه شناسی حقوقی، ترجمه حسین حبیبی، انتشارات تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۰۲

<sup>۱۳</sup> بکاریا، سزار، همان، ص ۱۰۵

ترین جرایم، دارای خفیف ترین مجازاتها باشد و از سوی دیگر مجازات اشد و اخف نباید از حیطة عدالت و استحقاق خارج گردند. در این زمینه مکاتب و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارند که هر یک نسبت به این اصل رویکرد خاصی داشته اند.

مکتب سزادهی، اصل تناسب جرم و مجازات را بعنوان مهمترین آموزه خود معرفی کرده و در جهت اجرای آن، «اصل قصاص» را پیشنهاد می‌کنند از سوی دیگر مکتب فایده‌گرایی با بی‌اعتنایی به این اصل مجازات و نحوه توزیع آن را تابعی از سود و فایده ناشی از مجازات می‌داند. مکاتب مختلط یا ترکیبی نیز با انتقاد به دو مکتب قبلی در جهت حذف نقاط ضعف و تقویت نقاط مثبت آن دو برآمده اند که رویکردهای مختلف آن نگاههای متفاوتی بین اصل ارائه کرده‌اند. بررسی تناسب اصل جرم و مجازات در حقوق ایران از جلوه خاصی برخوردار می‌باشد. زیرا از پنج عنوان معرفی شده برای مجازاتها در ماده ۱۲ ق.م.ا.سه عنوان آن برگرفته از فقه اسلامی بوده و به نحوی مقررات آن دارای ثبات و به دور از تغییر هستند. در واقع مجازات‌های حدود، دیات و قصاص و جرایم مستوجب آنها مستقیماً از سوی شارع مقدس یعنی خداوند متعال تشریح گردیده اند و از اینرو دارای نوعی تعبد و تقدس بوده و تغییر و تحول در آنها راهی ندارد و با این وجود تغییرات بوجود آمده در زمان و مکان تشریح این مقررات نسبت به زمان و مکان امروزی بی‌تناسبیهای ظاهری متعددی را در قانون کیفری ایران سبب گشته است. از دیگر سو در عناوین تعزیرات و مجازاتهای باز دارنده وضع جرایم، مجازاتها و تطبیق میان آنها بر عهده قانونگذار و حاکم گذاشته شده است که این موضوع امکان تاثیر پذیری از مقتضیات زمانی و مکانی و ارائه جرایم و مجازاتهای متناسب را برای قانونگذار فراهم نموده است.

اما متأسفانه با بررسی مقررات مر بوط به این عناوین نیز درمی‌یابیم که قانونگذار نه تنها از روش و شیوه‌های علمی طبقه بندی جرایم و مجازاتها و سپس تطبیق آنها، بهره نگر فته است بلکه با بی‌ملاحظگی به اصول اولیه جرم انگاری و وضع مجازاتها، مجموعه‌ای از مواد را شکل داده است که از منظر اصل تناسب جرم و مجازات ایرادات فراوانی بر آن وارد است. در این نوشتار اگر چه امکان و توانایی بررسی تک تک جرایم و مجازات‌های متناظر آن در حقوق کیفری ایران از منظر تناسب وجود نداشته است، اما سعی گردیده تا با شناسایی ایرادات و بیان انتقادات به رفع این نواقص کمک گردد. در پایان نیز پیشنهاد می‌شود تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی، شناسایی مقتضیات زمانی و مکانی و دسته بندی و طبقه‌بندی علمی جرایم و مجازاتها از نظر شدت و ضعف آنها، بسوی تحقق عدالت کیفری که یکی از شروط آن رعایت اصل تناسب جرم و مجازات می‌باشد گام برداریم.

## منابع و مراجع

- ۱) آقائی نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، تابستان ۴۸.
- ۲) اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۷۹.
- ۳) استفانی، گاستون، لواسور، ژرژ و بولک برنار، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
- ۴) الیوت، کاترین و کوئین، فرانسیس، حقوق جزا، ترجمه امیر سماواتی پیروز، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۵.
- ۵) بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، تهران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
- ۶) بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۷) یاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، جلد اول، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۷.
- ۸) پردال، ژان، تاریخ اندیشه های کیفری، جلد اول، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۳۷۳.
- ۹) جعفری، حسین، فلسفه مجازات در اندیشه کیفری غرب و نظام حقوقی اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر محمد آشوری، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۹.
- ۱۰) جمالی، حمیدرضا، کیفیات مخففه قضایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر ضیاء الدین پیمانی، دانشگاه تهران، ۷۲-۱۳۷۱.
- ۱۱) حبیب زاده، محمدجعفر، سرقت در حقوق کیفری ایران (مطالعه تطبیقی)، جلد اول، نشر دادگستر، تابستان ۱۳۸۵.
- ۱۲) حصاری، سید امیرحسین، مفهوم تشدید مجازات در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر محمد آشوری، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۹.
- ۱۳) خسروشاهی، قدرت ا...، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰.
- ۱۴) دانش پزوه، مصطفی و خسروشاهی، قدرت ا...، فلسفه حقوق، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، زمستان ۱۳۸۳.
- ۱۵) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ۱۴، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- ۱۶) رهامی، محسن، عرفی شدن مجازاتها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، پائیز ۱۳۸۳.
- ۱۷) زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، بخش حدود، جلد اول، جرایم علیه منافی عفت، انتشارات ققنوس، پائیز ۱۳۸۰.
- ۱۸) شفیعی سروستانی، ابراهیم، تفاوت زن و مرد در دیه و قصاص، انتشارات سفیر صبح، ۱۳۸۰.
- ۱۹) شمس ناتری، محمد ابراهیم، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰.
- ۲۰) صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۷۴.

- ۲۱) عبداللهی، اسماعیل، مبانی و مصادیق تشدید مجازات در حقوق کیفری ایران، نشر آریان، ۱۳۸۲.
- ۲۲) قربان حسینی، علی اصغر، جرم شناسی و جرم یابی سرقت، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۱.
- ۲۳) قربان نیا، ناصر، عدالت حقوقی، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۲۴) قیاسی، جلال الدین، دهقان، حمید و خسروشاهی، قدرت ا...، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)، کلیات، جلد ۱، انتشارات سازم ان تبلیغات اسلامی، پائیز ۱۳۸۱.
- ۲۵) کاپالدی، نیکولاس، بنتام، میل و مکتب فایده گرایی، جلد اول، ترجمه محمد بقایی، انتشارات اقبال، تابستان ۱۳۸۱.
- ۲۶) کابلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، از فیشته تا نیچه، جلد هفتم، ترجمه داریوش آشوری، تهران، انتشارات سروش و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ۲۷) کریمی، حسین، حدود الهی، جلد اول، گروه فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی شریف، اردیبهشت ۱۳۶۲.
- ۲۸) کلارکسون، سی.ام.وی، تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۲۹) کلانتری، کیومرث، اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، انتشارات دانشگاه مازندران، ۱۳۷۵.
- ۳۰) مرعشی شوشتری، محمدحسن، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، انتشارات میزان، ۱۳۷۳.
- ۳۱) محمودی جانکی، فیروز، مبانی اصول و شیوه های جرم انگاری، رساله دکترای حقوق جزا و جرمشناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- ۳۲) مدنی تبریزی، سید یوسف، کتاب القضاء، قم، ۱۴۲۶ قمری.
- ۳۳) مطهری، مرتضی، عدل الهی، قم، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۵۸.
- ۳۴) مظلومان، رضا، جامعه، بزه، کیفر، هدف، نوع و خصایص کیفرها، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره چهاردهم، تابستان ۱۳۵۲.
- ۳۵) مظلومان، رضا، جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- ۳۶) معرفت، محمدهادی، تغلیظ دبه و جنایت عمد در ماههای حرام، ماهنامه دادرسی، سال اول، شماره ۵.
- ۳۷) معین، محمد، فرهنگ لغات فارسی، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۳.